

آینه

اخبار

شفاف‌سازی باید سرلوحه عملکرد شهرداری باشد

● **محمد مهدی تندگویان**، عضو شورای اسلامی شهر تهران: سال‌هاست که بحث افزایش تخلفات ساخت‌وساز یکی از موضوعات داغ اما مغفول‌مانده شهری در پایتخت است، بدون اینکه به ریشه‌های آن پرداخته شود. اصولا در هر سیستمی، ممانعت از شفاف‌سازی، می‌تواند آن مجموعه را به سمت ایجاد «رانت» سوق دهد.
ایسن اصل به‌خصوص در سازمان‌ها و نهادهایی مانند شهرداری و به‌ویژه در حوزه‌های شهرسازی ملموس است.... در جامعه ما این‌گونه جا افتاده که با پرداخت مبلغی، می‌توان هزینه و جریمه تخلفی که انجام شده را پرداخت و از تخریب بخش‌های غیرمجاز جلوگیری کرد. این درحالی است که اگر احکام به‌خوبی اجرا شود، بی‌شک شاهد کاهش تخلف‌های ساختمانی خواهیم بود.
البته در این میان بخشی از این قصور، به سیستم قضائی ما برمی‌گردد. تقریبا اکثر پرونده‌هایی که به کمیسیون ماده ۷ و... می‌رود و اجرای احکام آن مستلزم ورود ضابطین قوه قضائیه است، بی‌نتیجه می‌ماند، چراکه حجم پرونده‌های قوه قضائیه و گستردگی آنها به‌قدری است که پرونده‌های ساخت‌وساز در بین آنها عملا کم‌رنگ و کم می‌شود. به همین دلیل کمتر پرونده‌ای را می‌توان دید که مانند پرونده علاءالدین، ضابطین قضائی به کمک شهرداری برای اجرای حکم بیایند. ضمن آنکه رویه رسیدگی به پرونده‌های قضائی نیز به‌گونه‌ای است که قضات بیشتر به حقوق مالک توجه دارند تا حقوق شهر و شهروندان. نکته بعدی در کوتاهی همکاران ما در کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر است. ما در این کمیسیون با مشکلات بسیار و جدی روبه‌رو هستیم. براساس وظایف تعریف‌شده، اعضای کمیسیون حقوقی باید از آمار پرونده‌های راكد، چگونگی اجرای حقوق شهروندی از سوی شهرداری و پرونده‌هایی که در قوه قضائیه - در حوزه تخلفات ساخت‌وسازی - وجود دارد، اطلاع داشته باشند، چراکه به نظر می‌رسد دوستان همکاران ما در این حوزه بیشتر درگیر مسائل سیاسی هستند تا رسیدگی کارشناسی به مسائل شهروندان و چندان اشرافی هم درمورد وظایفی که بر عهده دارند، ندارند. اگر بخواهیم شاهد کاهش آمار تخلفات صورت‌گرفته در شهر باشیم باید شفاف‌سازی سرلوحه تمام وظایف شهرداری قرار گیرد.

کیم‌ان

آن‌راه‌را دوباره بایدرفت

حسین شمس‌یان، ماجرای مصوبه اخیر سناى آمریکا و رای به تمدید ده ساله تحریم‌های ضد ایرانى، برای چندمین‌بار برجام را نقض کرد و شیفته‌ترین شیعیت‌گرا برجام و آمریکا را هم وادار به اعتراف و اقرار کرد.
دراین‌باره کم‌وبیش گفته شده و اصل موضوع به‌قدر کافی روشن است؛ اما خوب است از منظرى دیگر هم به موضوع نگاه کرد. آنچه اتفاق افتاد، ناشی از این تفکر بود که «آمریکا می‌تواند همه مشکلات ما را حل کند»؛ این سخن را مستقیم و غیرمستقیم، بارها و بارها شنیدیم و خواندیم! قرار شد در پی مذاکرات هسته‌ای، بیکاری، بی‌آبی و خشک‌سالی، بدی آب و هوا، تورم، رکود تولید، تحریم و... همه و همه رخت بربند و تمام شود! خب! همه این مسیر طى شد؛ مردم بابت این وعده‌ها هزینه دادند... اکنون باید برگشت و علت‌یابی کرد، فهمید چه اتفاقی افتاده به که این نقطه رسیدیم؟ ... باید گفت اینجا وضع فرق می‌کند و مشکل مبنایی بود نه در صورت‌بندی‌های متعارف جریان مذاکره. به این معنی که اگر همه‌چیز یک مذاکره به معنی واقعی کلمه برای پیروزی فراهم بود، بازهم این اتفاق می‌افتاد! چرا؟! راز آن یک جمله بیشتر نیست؛ «دل‌بستن به یک‌دنده به جای دل‌بستن به خدا»! اکنون تنها چاره کار و یکنانه راه برون‌رفت از وضع موجود، نه اصلاح روش مذاکراتی که بازگشت به نقطه آغازین و صحیح است... تنها چاره کار، بازگشت به مسیر اقتصاد مقاومتی و تکیه بر توان داخلی است. راهی که سال‌هاست رهبر انقلاب به آن پای می‌فشارند و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

تنها راه همین است. این یک، دو راه تعیین‌کننده است، راه اول تجربه شد و نمره آن پیش‌روی مردم است. در راه اول، مردم نقشی ندارند. فقرا باید از بیسن برزند، جوانان و متخصصان داخلی به درد نمی‌خورند، دردی و فساد امری فطری و طبیعی و سرریز پروژه‌های بزرگ است، هرچه تخصص و توان و هنر و سرمایه است، آن‌سوی مرزها و در دست غربی‌هاست و... و ما باید برای به‌دست‌آوردن آن، مدام امتیاز بدهیم!

اما در راه دوم، مردم محور همه‌چیز هستند، جوان نخیه، سرباز نیست، سرمایه مهم ملی است و... و خدا، قادر مطلق است. راه دوم یک بار تجربه‌شده و به خوبی جواب داده است. سال‌های اول انقلاب، سال‌هایی بود که مردم، این راه نورانی را با همه وجود تجربه کردند. آن روزها نه از مدیران نجومی خبری بود و نه از آرزوی ارتباط با غرب! آن راه را دوباره باید رفت.

آینده‌نگاری

اخبار

اخبار

اخبار

اخبار

آینده‌نگاری

● **محمد مهدی تندگویان**، عضو شورای اسلامی شهر تهران: سال‌هاست که بحث افزایش تخلفات ساخت‌وساز یکی از موضوعات داغ

اما مغفول‌مانده شهری در پایتخت است، بدون اینکه به ریشه‌های آن پرداخته شود. اصولا در هر سیستمی، ممانعت از شفاف‌سازی، می‌تواند آن مجموعه را به سمت ایجاد «رانت» سوق دهد.
ایسن اصل به‌خصوص در سازمان‌ها و نهادهایی مانند شهرداری و به‌ویژه در حوزه‌های شهرسازی ملموس است.... در جامعه ما این‌گونه جا افتاده که با پرداخت مبلغی، می‌توان هزینه و جریمه تخلفی که انجام شده را پرداخت و از تخریب بخش‌های غیرمجاز جلوگیری کرد. این درحالی است که اگر احکام به‌خوبی اجرا شود، بی‌شک شاهد کاهش تخلف‌های ساختمانی خواهیم بود.
البته در این میان بخشی از این قصور، به سیستم قضائی ما برمی‌گردد. تقریبا اکثر پرونده‌هایی که به کمیسیون ماده ۷ و... می‌رود و اجرای احکام آن مستلزم ورود ضابطین قوه قضائیه است، بی‌نتیجه می‌ماند، چراکه حجم پرونده‌های قوه قضائیه و گستردگی آنها به‌قدری است که پرونده‌های ساخت‌وساز در بین آنها عملا کم‌رنگ و کم می‌شود. به همین دلیل کمتر پرونده‌ای را می‌توان دید که مانند پرونده علاءالدین، ضابطین قضائی به کمک شهرداری برای اجرای حکم بیایند. ضمن آنکه رویه رسیدگی به پرونده‌های قضائی نیز به‌گونه‌ای است که قضات بیشتر به حقوق مالک توجه دارند تا حقوق شهر و شهروندان. نکته بعدی در کوتاهی همکاران ما در کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر است. ما در این کمیسیون با مشکلات بسیار و جدی روبه‌رو هستیم. براساس وظایف تعریف‌شده، اعضای کمیسیون حقوقی باید از آمار پرونده‌های راكد، چگونگی اجرای حقوق شهروندی از سوی شهرداری و پرونده‌هایی که در قوه قضائیه - در حوزه تخلفات ساخت‌وسازی - وجود دارد، اطلاع داشته باشند، چراکه به نظر می‌رسد دوستان همکاران ما در این حوزه بیشتر درگیر مسائل سیاسی هستند تا رسیدگی کارشناسی به مسائل شهروندان و چندان اشرافی هم درمورد وظایفی که بر عهده دارند، ندارند. اگر بخواهیم شاهد کاهش آمار تخلفات صورت‌گرفته در شهر باشیم باید شفاف‌سازی سرلوحه تمام وظایف شهرداری قرار گیرد.

سال ۶۷ و ۶۸ سال‌های پرحادثه‌ای بودند. سران قوا منشوری را برای دوران بازسازی داده بودند که با ارزش‌های موردقبول دانشجویان تعارض داشت. دانشجوی‌ها خیلی از این نظر آشفته بودند که چرا فرهنگ اینارگری دوران جنگ کم‌رنگ می‌شود و کشور به سمت شرایط عادی فاقد ارزش‌های دوران انقلاب و جنگ حرکت می‌کند. این حالت به طور عمومی وجود داشت و چنین پنداشته می‌شد که بیشترین نقش را در صدور بنایینه بازسازی، آقای هاشمی بر عهده داشته است. بعد از آن، قضیه سلمان‌رشدی پیش آمد و امام درباره سلمان‌رشدی آن فتوا را دادند. دانشجوی‌ها حول محور آن فتوا فعالیت خیلی وسیعی انجام و راهپیمایی بزرگی ترتیب دادند.

کایعنی بعد از جنگ اولین فعالیت در قالب

تحکیم وحدت در جریان سلمان رشدی بود؟
بله، بزرگ‌ترینش در واقع برای موضوع سلمان رشدی بود و بعد ماجرای عزل آیت الله منتظری پیش آمد. درون دفتر تحکیم وحدت چالش‌هایی به وجود آمد که منجر به این شد که دفتر تحکیم دو بنایینه به‌د. بنایینه اول کمی نسبت به آیت الله منتظری جانب‌دارانه بود و با فاصله یک ماه بنایینه دوم صادر شد که جانب امام را داشت و در این فاصله انجمن‌ها هرکدام مواضعی داشتند. تحکیم، ترکیبی بینابینی داشت و با یک رای بالا و پایین، هم بنایینه اول در شورای مرکزی آن تصویب شد، هم بنایینه دوم.

کایعنی بنایینه‌های تحکیم با هم در تعارض بود؟

این دو بنایینه در تعارض با هم بودند ولی به‌هرحال تحکیم این‌کار را انجام داد. بعد هم رحلت حضرت امام و شروع رهبری آیت‌الله خامنه‌ای که این دو، حوادث خیلی بزرگی بودند که در آن سال اتفاق افتاد. تمام مواضع آن سال تحکیم را به صورت کتابچه‌ای در آورده‌ایم که موجود است. **کاموضع تحکیم وحدت در برابر دولت آقای هاشمی و شخص ایشان چگونه بود؟**

درباره کاندیداتوری آقای هاشمی برای ریاست‌جمهوری با توجه به بنایینه‌ای که برای دوران بازسازی داده شده بود و گفته می‌شد خط اصلی‌اش برگرفته از نظرات آقای هاشمی بود، دفتر تحکیم کمی موضع منفی نسبت به آقای هاشمی داشت. آقای هاشمی مواضعش به چپ اسلامی نزدیک‌تر بود تا به راست، ولی آن بنایینه باعث شده بود کمی گله‌مندی بین دانشجویان و آقای هاشمی به وجود بیاید و وقتی آقای هاشمی نامزد ریاست‌جمهوری شد و رقابت جدی هم وجود نداشت، دانشجوی‌ها از آقای هاشمی حمایت کردند اما مطالبات خودشان را در بنایینه‌ای اعلام کردند.

کایعنی با شروع دولت هاشمی یک شکاف بین هاشمی و دانشجویان ایجاد شد؟

شروع کار دولت آقای هاشمی در حقیقت ادامه فاصله‌ای بود که کم‌کم به وجود آمده بود ولی آقای هاشمی دولتش را به صورت بینابینی تشکیل داد. شاید ابتدا بیشتر نظرات جناح چپ تأمین می‌شد. وزاری مثل علوم، ارشاد و کشور -به چپ نزدیک بودند. ولی درهرحال آن‌موقع فاصله‌ها زیاد نبود؛ با اینکه دولت، دولتی بود که پذیرفتنی بود ولی صحبت آقای هاشمی که گفته بود دولت من دولت کار است و سیاست در دولت بر عهده من است، خیلی به مذاق دانشجویان آن موقع خوش نیامد. سیاست تعدیل اقتصادی هم که اجرا شد، از این جهت که موجب گسترش تجملات و افزایش فاصله طبقاتی شد، برای دانشجویان پذیرفتنی نبود. جهت‌گیری و سیاست توسعه‌گرای آقای هاشمی خوب بود ولی سرعت اجرای سیاست‌ها و فشاری که بر مردم تحمیل می‌شد، زیاد و طاقت‌فرسا بود.

کایمقابل سخنان آقای هاشمی بنایینه‌ای می‌دادید؟

نه. با توجه به اینکه جناح چپ اسلامی مقداری با آقای هاشمی فاصله پیدا کرده بود، جناح راست خیلی سعی کرده بود این فاصله را تشدید کند و آن شعار معروف «مخالف هاشمی مخالف رهبر است، مخالف رهبری دشمن پیغمبر است» را می‌دادند. البته آقای هاشمی تمایل نداشت خیلی به یک جناح نزدیک باشد. سعی می‌کرد هر دو جناح را داشته باشد ولی خیلی خودش را با بخشی از جناح چپ

سیاست

یادمانده‌های علی شکوری‌راداز جنبش دانشجویی دهه ۶۰ و ۷۰

آیت‌الله خامنه‌ای فضای دانشگاه را باز کرد



علی شاملو، عضو مجلس شورای اسلامی

علی شاملو

در یک بعدازظهر پاییزی برای گفت‌وگو با دبیر کل حزب اتحاد ملت، از دانشجویان سابق پیرو خط امام و نماینده مجلس ششم به بیمارستان سینا رفتم. دکتر شکوری‌راد را مثل همیشه شوخ‌طبع و پرنشاط در مرکز رادیولوژی بیمارستان سینا که ریاست آن را بر عهده دارد، ملاقات کردم. شکوری‌راد در زمان ریاست‌جمهوری هاشمی، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت بوده، حتی پس از اینکه از شورای مرکزی تحکیم کنار رفته، مدتی به عنوان عضو ناظر در جلسات شورای مرکزی دفتر تحکیم حضور داشته است. شکوری‌راد از آن زمان‌های دفتر تحکیم می‌گوید: در آن زمان چون بنبوحه جنگ بود، دفتر تحکیم روی پروژه‌ای به نام «جنگ همه‌جانبه»، کار می‌کرد و یک بار هم در نماز جمعه شعار جنگ همه‌جانبه را سه راد بودند. در آن زمان منظور از جنگ همه‌جانبه این بود که همه امکانات باید صرف پیروزی شود.» روز اول نوروز سال ۶۶ محسن رضایی که فرمانده سپاه بود، بچه‌های دفتر تحکیم را به دفتر خودش واقع در افسریه دعوت می‌کند. شکوری‌راد از این دیدار به عنوان یک میهمانی تلخ یاد می‌کند. او می‌گوید: «پس از گفت‌وگو برای ناهار سفره پهن کردند و با رضایی هم‌سفره شدیم. پس از ناهار آقای رضایی از سر سفره ناهار بلند شد، به اتاقش رفت و جمع را بدون خداحافظی ترک کرد». بچه‌های تحکیم وحدت چند شماره از نشریه خود را به موضوع جنگ همه‌جانبه اختصاص می‌دهند. شکوری‌راد چندین بار به عنوان بزرگ‌بار به جبهه رفت. شکوری‌راد حین تعریف خاطره حرف‌های شنیدنی بسیاری درباره تشکل‌های دانشجویی بیان می‌کند. این عضو اسبق تحکیم وحدت وجود تشکل‌های دانشجویی را برای مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی کاملاً یک ضرورت می‌داند.

هم سازگار نشان نمی‌داد.

کایبیشتر کدام بخش؟

حالا بروز و نمودش را برایتان توضیح می‌دهم. کلایه اصلی دانشجوی‌ها نسبت به آقای هاشمی این بود که چرا ایشان اصرار دارند به این سرعت ارزش‌های دوران جنگ را که از جمله آن اینارگری و ریاضت و دوری از تجمل بود، تغییر دهند و چرا شعار رفاه و تجمل سر می‌دهند؛ یعنی شعار رفاه آقای هاشمی مورد انتقاد قرار می‌گرفت؛ به دلیل اینکه این شعار در تضاد با ارزش‌های دوران انقلاب و جنگ تلقی می‌شد.

کآیا سعی می‌کردید این انتقادات را به صورت حضوری با آقای هاشمی با وزیر دوره اول ایشان، آقای دکتر معین که به تفکرات دانشجوی‌های چپ

نزدیک بود، مطرح کنید؟
آن‌موقع روابط مثل حالا نبود؛ یعنی دانشجوی‌ها دسترسی چندانی به مقامات نداشتند. **کآلان هم البته نیست؟**

الان از آن‌موقع شاید راحت‌تر باشد. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی امکانات زیادی در اختیار قرار می‌دهد. آن زمان دسترسی به آقای هاشمی راحت نبود.

کاچرا؟

یکی از انتقادهایی که به ایشان وارد می‌شد، حالت خاص ایشان بود که به بدنه اجتماعی مردم نزدیک نمی‌شد. البته این ایراد در سال‌های اخیر خیلی کم‌رنگ شده و نمادین این است که گاهی آقای هاشمی دیگر نشسته سخنرانی نمی‌کند

و پشت تریبون می‌رود. من به خاطر دارم دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای بعد از انقلاب فرهنگی که مراسم افتتاحیه دانشگاه تهران برگزار می‌شد و دانشجویان در حضور رئیس‌جمهور خیلی آزاد صحبت می‌کردند. آیت‌الله خامنه‌ای که رئیس‌جمهور بودند، می‌نشستند و همراه رؤسای دانشگاه گوش می‌کردند.

کابزرگ‌رید به بحث تشکل‌ها، ترکیب انجمن‌های اسلامی دانشجویان آن زمان چگونه بود؟
سال ۶۲ که دانشجوی‌ها وارد انتخابات شدند، در دانشگاه تهران ترکیب بینابینی بود. تمایزهای سیاسی تازه آشکار شده بود و در ترکیب هفت‌نفره شورای مرکزی سه نفر چپ بودند و سه نفر راست و یک نفر وسط.

کاین هفت نفر را نام می‌برید؟ شما بودید و آقای صدر؟
نه، من هنوز در شورای مرکزی نبودم، شورای عمومی انجمن دانشگاه نبود؛ اما فکر کنم شهاب‌الدین صدر، مخبردزفولی که الان معروف هستند و موحد، اینها راست‌ها بودند. چپ هم دکتر صفاریان بود که الان دامپزشک است و در مجلس ششم رئیس دفتر آقای کروبی بود و آقای رئیس‌ان و فرهمند هم وسط بود، نام یک نفر را هم الان یادم نیست.

کآقای صفاریان که الان در کانون زندانیان

است؟

بله.

کآقای فرهمند به چه کسی نزدیک بود؟

بیشتر شاید به ما نزدیک می‌شد؛ اما وسط بود. در نشست سالانه بعد از آن چپ‌ها یک تفوق خیلی قوی در انتخابات شورای مرکزی انجمن پیدا کردند،

اغلب انجمن‌ها این‌گونه بودند؛ یعنی وقتی تمایزهای سیاسی آشکار شد، بدنه دانشجویی یک تمایل آشکار به جناح چپ نشان داد. انجمن‌های اسلامی تنها تشکل رسمی در دانشگاه‌ها بودند. ما در دانشگاه تهران سعی می‌کردیم شمول خود را حفظ کنیم و به همین دلیل در سلسله‌سخنرانی‌هایی که برگزار می‌کردیم، از جناح راست هم دعوت می‌کردیم. آقای آذری‌قمی، آقای یزدی، جواد لاریجانی و بادامچیان را دعوت کردیم، بعد پرسش و پاسخ برگزار می‌شد.

کراست و چپ مشخص بود؟

بله، بعد از انتخابات مجلس دوم تقریباً راست و چپ مشخص شده بود و معلوم بود هرکس به کدام طرف تمایل می‌شد.

کاجهت‌گیری‌های تحکیم، آن زمان به چه صورت بود؟

تحکیم تا قبل از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر، در دولت بیشتر حمایت می‌کرد؛ تا بعد از فوت امام، ایشان تا اواسط مرداد هم رئیس‌جمهور بودند و هم رهبر. با وجود این در آن زمان در دفتر تحکیم بحث شد و در همان روزهای اول، تحکیم بنایینه داد و بیعت خودش را با آیت‌الله خامنه‌ای اعلام کرد.

کایعنی پس از رهبرشدن ایشان تحکیم همواره تبعیت داشت؟
فرق ما با بقیه این بود که آنها می‌گفتند بایستید و نگاه کنید ولی فقیه چه می‌گوید و از آن تبعیت کنید؛ اما ما می‌گفتیم منتظر نمی‌مانیم تا ولی فقیه رهنمود بدهد و بعد ما حرکت کنیم.

ولی فقیه تا زمانی که موضعی نگرفته است ما کار خود را انجام می‌دهیم. اگریک زمانی دیدیم موضع و حرکت ما در تضاد با نظر ولی فقیه است، دیگر ادامه نمی‌دهیم؛ اختلاف نظر با جناح مقابلمان همین بود، وگرنه در تبعیت از ولی فقیه اشتراک نظر داشتیم. در دیدار شورای مرکزی تحکیم با رهبری این دیدگاه را سید ابراهیمی، یکی از اعضای شورای مرکزی، در حضور آیت‌الله خامنه‌ای مطرح کرد و ایشان بر دیدگاه ما صحه گذاشتند. در آن زمان مشکلی پیش نیامد؛ شرایط مناسبی بود، راحت حرف می‌زدیم، خیلی سانسور نمی‌کردیم.

کابرخوردایشان با تشکل‌ها چگونه بود؟

شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرد تشکل‌های دیگر می‌توانند در دانشگاه‌ها تشکیل شوند که در نتیجه دیگر تشکل‌ها، از جمله جامعه اسلامی دانشجویان و انجمن‌های اسلامی دانشجویی (گروه طبرزدی)، در دانشگاه رسمی شدند. مقاومت انجمن اسلامی در برابر اعلام حضور این تشکل‌ها تضعیف شد و اگرچه وزارت علوم به انجمن‌های اسلامی نزدیک بود؛ ولی آنها هم کار خودشان را می‌کردند. آن زمان دکتر معین تازه وزیر علوم شده بود، در زمان ریاست آقای یزدی و با پیگیری معاون سیاسی ایشان، آقای بادامچیان، دفتر تحکیم وحدت را از ساختمان دانشگاه علوم قضائی که سال‌ها در اختیار تحکیم بود بیرون کردند، رهبری یک ساختمان برای استقرار به دفتر تحکیم دادند و یک مقرری کمک مالی ماهانه هم به آنها اختصاص دادند.

کابرخورد دولت هاشمی با تشکیلات چگونه بود؟

در زمان آقای هاشمی دکتر معین وزیر شد؛ دکتر

سیاست

سیاست

سیاست

سیاست

سیاست

آینه پیش در چنین روزی

معین برخوردش منفی نبود؛ اما رویکردش هم خیلی سیاسی نبود؛ دکتر معین بیشتر آکادمیک بود و کردار و باورهای ذهنی علمی و برخورد آزادتری داشت. اینکه آقای دانش‌آشتیانی که آن زمان معاون ایشان بودند، می‌گفتند ما آن روزها فقط کار می‌کردیم، راست می‌گفتند. آقای هاشمی به وزرا اجازه نمی‌داد که رویکرد سیاسی خود را بروز دهند یا جهت‌گیری سیاسی خود را ابزاز کنند، بنابراین دولت اول آقای هاشمی یک دولت غیرسیاسی بود، دکتر معین با تشکل‌های دانشجویی مشکلی نداشتند و عملاً حمایت هم می‌کردند.

کاتعاملات مثبت بود؟

بله، در دوره اول هاشمی، دانشجویان با دکتر معین رابطه خوبی داشتند، من برخوردی را به یاد نمی‌آورم. در دوره مهندس موسوی و زمان وزارت دکتر فرهادی هم همین‌طور بود. آن زمان در دفتر تحکیم برنامه گذاشتیم به انجمن‌های اسلامی سر بزینیم. وزارت علوم قبول کرد ماشین و راننده در اختیارمان بگذارد. این نوع حمایت‌ها وجود داشت.

کاتشکلات دانشجویی زمان دولت هاشمی چه تأثیری بر فضای دانشگاه‌ها می‌گذاشت؟

تا سال ۷۴ به علت فشارهای سیاسی بیرون و اتهام‌زنی تشکل‌های دانشجویی رقیب، کم‌کم انجمن‌های اسلامی به محاق می‌رفتند و فضا و وضعیت خودش بود؛ هم از لحاظ بیرونی و هم امکان فعالیت از آنها سلب شده بود. به‌طوری‌که بعد از انتخابات مجلس چهارم که فضا بسته‌تر شد، افول شدیدی کردند. اختلافات داخلی بین خودشان هم اوج گرفته بود. در سال ۷۳ تحکیم در بدترین وضعیت خودش بود؛ هم از لحاظ بیرونی و هم از لحاظ درونی. به‌این‌ترتیب فعالیت دفتر تحکیم محدود شد تا اینکه آیت‌الله خامنه‌ای آن صحبت معروف را کردند و گفتند خدا لعنت کند آتهایی را که تلاش کردند دانشگاه‌ها را ما غیرسیاسی کنند و دانشگاه باید سیاسی باشد. این سخنان فضای جدیدی برای دانشجویان ایجاد کرد که دوباره به صحنه بیایند. البته آن موقع دانشجویان با موضوع «مذاکره مستقیم با آمریکا» که از سوی مهاجرانی، معاون حقوقی آقای هاشمی، مطرح شد مخالف بودند و همین مخالفت، موضوع اولین تجمع آنها شد.

کاشد فضای دانشگاه دوباره سیاسی شود؟

بله، پس از آن کمی به دانشجویان میدان دادند؛ مثلاً طبرزدی که تا آن زمان خود را سینه‌چاک ولایت فقیه معرفی و دفتر تحکیم را پس می‌زد و از طرف دفتر رئیس‌جمهور حمایت می‌شد، این فضا را که دید ناگهان چرخش کرد و شروع کرد به انتقاد از دولت آقای هاشمی، بعد هم انتقاد از رهبری. این در شرایطی بود که هنوز چندصدایی در جامعه نبود، به‌همین‌دلیل نشریه «پیام دانشجوی بسیجی» که طبرزدی آن را منتشر می‌کرد، در یک دوره‌ای پرتیراژترین هفته‌نامه تهران شد.

کاچقدر تشکلات آن زمان کارکرد تنوریک داشتند؟

در فاصله تعطیلات انقلاب فرهنگی بیشترین کار تئوری انجام شد تا دوره دولت آقای هاشمی که تقریباً کار تئوری تعطیل شد. در این دوره دانشجویانی که تعاملات راست داشتند، ولی هنوز در تحکیم بودند، در مقابل برخی اظهارنظرها موضع می‌گرفتند. وقتی بحث ولعرفت مطلقه فقیه شد، بزرگ‌ترین راهپیمایی را دفتر تحکیم برپا کرد، دانشجویان تا جماران رفتند و آیت‌الله توسلی، از اعضای دفتر امام، برایشان سخنرانی کرد، اما دریافت ما از ولایت مطلقه فقیه با دریافت بقیه متفاوت بود. ما می‌گفتیم ولایت مطلقه فقیه می‌تواند موانع پیش‌رو را از سر راه حکومت بردارد و بعد ما حرکت به سمت اسلام برسد. خدمت به مردم و توسعه کشور است برسد. مطلقه‌بودن ولایت را به‌منظور بن‌بست‌شکنی در جایی که احکام اسلام دست حکومت را می‌بست تلقی می‌کردیم.

کابرخورد خود آقای هاشمی با تشکل‌ها چگونه بود؟

آقای هاشمی موضعش همیشه از بالا بود. نمی‌گفت اینها نباشند، ولی می‌گفت به طریقی باشد که هم باشند و هم مزاحمت نداشته باشند. آقای هاشمی هیچ‌وقت روابط نزدیکی با دفتر تحکیم و انجمن‌های اسلامی برقرار نکرد. در یکی از کنفره‌های سیاسی ۱۳ آبان دفتر تحکیم من سخنران بودم، در آن زمان نمی‌شد از هاشمی انتقاد کرد، انتقاد از هاشمی خطرناک بود، در آن سخنرانی من از هاشمی انتقاد کردم.

کاچه سالی؟

سال انتخابات مجلس پنجم بود. سال ۷۴ بود. سخنرانی درباره تاریخچه جنبش دانشجویی بود.

در پایان یک بخش سیاسی هم اضافه کرده بودم که به آقای هاشمی انتقاد کردم. انتقاد این بود که ما خبرهایی می‌شنویم که بعضی از فرزندان آقای هاشمی عضو هیات‌مدیره شرکت‌ها می‌شوند و این موجب این شرکت‌ها بتوانند از رانت حکومتی استفاده کنند.

کاخود آقای هاشمی حضور داشت؟

نه، خودشان نبودند. گفتم ما می‌خواهیم آقای هاشمی این قضیه را شفاف کنند، در همین حد. بعد از آن صحبتی که من کردم چند پیغام برای من آمد که مواظب باش، زیاد تند صحبت نکن، زیادتر از حد خودت صحبت نکن.

ادامه در صفحه ۷

سیاست

سیاست

آینه دیروز

سال پیش در چنین روزی

کیم‌ان

- احمدی‌نژاد در دیدار قائم‌مقام وزارت خارجه سوریه: دشمنان نمی‌توانند به روابط پایدار تهران-دمشق خدشه وارد کنند
- محمدرضا خاتمی، عضو جبهه مشارکت؛ وقتی در مجلس تعهد حزبی ایجاد شود استقلال مجلس حفظ می‌شود و در برابر قوه مجریه می‌ایستد
- باهنر در کاشمر: دیپلماسی دولت و مجلس اصولگرا دیپلماسی لیختد و اخم است
- وزیر تجارت و صنایع مصر درباره برنامه هسته‌ای ایران: مصر از تصمیمات یک‌جانبه کشوری خاص بی‌روی نمی‌کند
- حسینی: شرکت ایران در نشست شورای همکاری خلیج فارس اتفاق مهمی است
- رحمانی، جانشین اطلاعات عملیات ستاد کل نیروهای مسلح: به دلیل اهمیت تنگه هرمز گسترش همکاری‌های نظامی میان ایران و عمان در ارتقای امنیت و ثبات منطقه مؤثر است

اخبار

- سعیدلو، معاون حقوقی رئیس‌جمهور: پخش اخبار مربوط به استعفاى وزرای دولت نهم با هدف ایجاد ناهماهنگی و ضعف در دولت است
- ایهام در اجلاس تحریک؛ روسیه در نشست ۵+۱ درباره پرونده هسته‌ای ایران حاضر نشد
- واکنش سخنگوی وزارت خارجه به اجلاس ۵+۱: تحریم بی‌اثر است
- آیت‌الله شیخ‌محمد یزدی: کابینه و کارگزاران دولت فرضی امام معصوم، معصوم نیستند
- در نشست مشترک مجلس با دولت، هشدار داده شد: تورم ۳۰درصدی در پیش است
- چین: حل صلح‌آمیز مسئله هسته‌ای ایران به سود همه است
- توکلی، نماینده مجلس: وعده‌های احمدی‌نژاد در جریان سفرهای استانی فراتر از جایگاه رئیس‌جمهوری در قانون اساسی است

اخبار

- داریوش قنبری، نماینده ایلام: تأیید آمارهای غلط دولتی خیانت به سوگند نمایندگی است
- کاظم جلالی، مخر کمیسیون امنیت ملی: گزارش سولانا مثبت نخواهد بود
- عماد افروغ، عضو ارشد اصولگرایان مستقل مجلس: هیچ‌گاه نقش مجلس تا این حد کم‌رنگ نبوده است
- فلاح‌تپیشه، عضو کمیسیون امنیت ملی: اعلام ناامیدی سولانا دیپلماسی ایذایی علیه ایران است
- حسینی: چین و روسیه همچنان با ما اظهار دوستی می‌کنند
- نهایی، وزیر خارجه امارات: درمورد صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران آژانس تضمین بدهد
- شورای نگهبان در بنایینه‌ای خواستار شد مسئولان برای به فعلیت‌رساندن ظرفیت‌های قانون اساسی تلاش کنند

جمهوری اسلامی

- احمدی‌نژاد در دیدار سفیر جدید کره‌جنوبی بر نقش کشورهای آسیایی در تأمین صلح جهانی بر پایه عدالت تأکید کرد
- رئیس شورای شهر خبر داد: تصویب طرح جامع شهر تهران توسط شورای عالی شهرسازی پس از ۳۷ سال
- سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به ادعاهای اخیر مقامات اماراتی: جزایر سه‌گانه متعلق به ایران است
- محمود فرشیدی، وزیر آموزش‌وپرورش از سمت خود استعفا داد
- واکنش رئیس‌جمهور به پیام بشار اسد: دشمنان دو ملت نمی‌توانند خدشه‌ای به روابط اصیل و پایدار تهران و دمشق وارد کنند

اطلاعات

- افتخاری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس: فرشید (وزیر آموزش‌وپرورش) انتظارات را برآورده نکرد
- پرودی، نخست‌وزیر ایتالیا: طراحی یک سیاست خارجه جدید مذاکره با ایران را آسان‌تر خواهد کرد
- علی احمدی با حکم رئیس‌جمهور سیرپرست جدید آموزش‌وپرورش شد
- دادستان کل کشور: اجلاس رؤسای قو قضائیه کشورهای اسلامی فرصتی برای تعامل حقوقی و قضائی است
- الصباح، معاون وزیر خارجه کویت مناسبات ایران و شورای همکاری خلیج‌فارس را مهم خواند

تصحیح و پوزش

- در گزارش صفحه ۲ روز گذشته روزنامه «شرق»، با عنوان «روز دانشجو چه کسی کجا سخنرانی می‌کند»، محل شهادت سه دانشجو در سال ۲۲ به‌اشتباه «دانشگاه شریف» عنوان شده بود، درحالی‌که در آن تاریخ دانشگاه صنعتی شریف (رایمهر سابق) کنشایش نیافته و محل شهادت، دانشکده فنی دانشگاه تهران بوده است. به‌این‌وسیله از خوانندگان گرامی پوزش می‌خواهیم.